

شان و منزلت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از افق شعر و ادب شیخ بهایی

اکبر اسد علیزاده^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۵/۱۷

چکیده

شیخ بها الدین عاملی از علمای بزرگ جهان تشیع نقشی مهمی در گسترش فرهنگ اصیل شیعه داشته‌اند، از جمله نقشی که در صفحات شخصیت علمی شیخ بهایی جلوه‌نمایی می‌کند نقش شعر و ادب اوست. ایشان از لحاظ ذوق شعری و سخن‌پردازی در حد کمال بود، و تقریباً در همه انواع: قصائد، غزلیات، مثنویات، مستزاد، مخمس، قطعات، رباعیات به فارسی و عربی شعر سروده است. بیشتر سروده‌های او در حول مضامین دینی، اخلاقی و بیان معانی بعضی از آیات و احادیث وارده از معصومین عجل الله تعالی فرجه الشریف، و در مدح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مناقب اهل بیت علیهم السلام و توسل به آن بزرگواران، و در مدح امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. در این مقاله ما در پی تحلیل و بیان ابیاتی هستیم که شیخ بهایی در باره جایگان و شان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سروده است.

واژگان کلیدی

امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، شعر، شیخ بهایی، شان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.

مقدمه

از دیرباز سرودن شعر در ستایش و شان حضرات معصومین عجل الله تعالی فرجه الشریف، مخصوصاً حضرت بقیة الله الاعظم (ارواحنا فداه) معمول بوده است. در خصوص حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف اشعار فراوانی در مضامین مختلف سروده‌اند. برای نمونه می‌توان سروده‌های شعرای بزرگی چون حافظ، فردوسی، سعدی، مولوی، عطار نیشابوری، خواجه کرمانی، نظامی گنجوی، عبدالرحمن جامی، حیدر حلی، محسن فیض کاشانی، حکیم سبزواری، سیدمحسن امین جبل عاملی،

۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران (a.alizadhe232o@gmail.com).

شیخ فضل‌الله نوری، علامه حائری سمنانی، الهی قمشه‌ای، حضرت امام خمینی رحمته‌الله علیه و حسن‌زاده آملی و... را مثال زد. بدیهی است که زیبایی، جذابیت و استحکام شعر از جهت ادبی و بلاغی مخصوصاً آن‌جا که قصیده بر زبان شاعری جاری شده باشد که علاوه بر طبع شعر، بر علوم عقلی و نقلی نیز تسلط داشته باشد سروده‌اش شیواتر و استوارتر خواهد بود، مانند قصیده «ذریعة النجاة والظفر فی مدح الإمام المنتظر» در سی و چهارم (۳۴) بیت و «الفوز والأمان فی مدح صاحب الزمان علیه السلام» مشتمل بر شصت و سه (۶۳) بیت، از سروده‌های شیخ بهائی. می‌توان این قصیده‌ها را به جهت دارا بودن مفاهیم بلند و ارزش والای ادبی و آراسته بودن آن به انواع صنایع ادبی جزء بهترین سروده‌ها در خصوص حضرت امام عصر علیه السلام دانست. چرا که شیخ بهائی از لحاظ جامعیت علمی و دینی زبانزد عام و خاص است. او یکی از فقها، ریاضی‌دان و نوابغ و مفاخر امت اسلامی است. وی ادیب و شاعری توانا در سرودن اشعار فارسی و عربی بود. آثار گرانسنگ او در زمینه‌های مختلف علمی از جمله شعر و ادب بهترین گواه بر مقام شامخ علمی اوست.

پیشینه

این دو قصیده (به خصوص قصیده الفوز والأمان) در طول تاریخ مورد توجه علما و شعرا قرار گرفته و اقدام به ترجمه و شرح آن نموده‌اند، از شروح مانند: *فتح المنان فی شرح قصیده الفوز و الأمان فی مدح صاحب الزمان*، تألیف شیخ شهاب‌الدین احمد بن علی منینی دمشقی حنفی متوفای ۱۱۷۲ قمری، و *من الرحمن فی شرح...*، نوشته جعفر بن محمد نقدی (آقا بزرگ، ۱۴۰۶ق: ج ۱۶، ۳۷۳؛ ج ۲۳، ۱۵۲)، می‌توان مطرح کرد.

و از ترجمه می‌توان به کتاب‌ها و مقالات زیر اشاره کرد:

کتاب *سیمای مهدی موعود در آئینه شعر عربی* به کوشش حسن عبداله‌هی، در این کتاب قبل از ترجمه برخی از کلمات و واژه‌ها را از حیث ادبی و لغوی توضیح داده است.

و کتاب *نشانه‌های یار و چکامه‌های انتظار*، تألیف مهدی علیزاده.

و مقاله شکواییه سبز (نگاهی به قصیده شیخ بهایی در عرض حال به پیشگاه امام زمان علیه السلام)، تألیف محمود مهدوی دامغانی، مجله گلستان قرآن، شماره ۷۶، آبان ۱۳۸۰ ش، ایشان در این مقاله فقط قصیده الفوز والأمان را نقل و ترجمه کرده است.

و مقاله ذوق ادبی شیخ بهایی در خدمت معارف مهدوی، تألیف مصطفی و مرضیه ورمزیان،

مجله آدینه، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۹۷. در این مقاله پس از معرفی شیخ بهایی و اشعار او، به توضیحی در باره قصیده الفوز والأمان پرداخته و اظهار می‌دارد که این سروده نزدیک به ۴۹ بیت است! در حالی مجموع این قصیده شصت و سه (۶۳) بیت می‌باشد، سپس ۱۹ بیت از ۳۴ بیت قصیده ذریعة النجاة والظفر فی مدح الإمام المنتظر تحت عنوان «مدح الکرام» آورده و ترجمه کرده است. ما در این مقاله از ترجمه‌های یاد شده استفاده کردیم.

متن و ترجمه

شیخ بهایی در قصیده خود به ابعاد و افق‌های مختلف مهدویت - مانند: در وصف شأن منزلت امام، در انتظار ظهور، تعجیل در ظهور، شوق دیدار، یاران امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ - اشاره کرده است، که دارای نکاتی بسیار مهم و قابل دقت و توجه کلامی در بیان نظرات شیعه امامیه در خصوص امامت حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَامُ است. ما در این جا از دو قصیده یاد شده فقط سروده‌های مربوط به توصیف جایگاه و شأن و منزلت امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ را انتخاب کردیم. ابتدا متن اشعار انتخابی و ترجمه آن را بیان و سپس هر بندی را تحت عناوین مربوطه به شرح و تحلیل می‌پردازیم.

ایشان در سی بیت اول قصیده «الفوز والأمان...» به یاد سرزمین و خاطره و به بیان افتخارات خود در علم دانش و حل دشواری‌های علوم پرداخته و سپس از بیت سی و یکم ابیاتی را درباره امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ به عبارت ذیل سروده است:

خَلِيفَةَ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَظِلَّهُ عَلَى سَاكِنِ الْعَبْرَاءِ مِنْ كُلِّ دِيَارٍ^۱
 هُوَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى الَّذِي مَنْ بِذَيْلِهِ تَمَسَّكَ لَا يَخْشَى عَظَائِمَ أَوْزَارٍ^۲
 إِمَامٌ هُدًى لَأَذِ الزَّمَانِ بِظِلِّهِ وَاللَّقَى إِلَيْهَا الدَّهْرُ مَقْوَدَ خَوَارٍ^۳
 إِمَامٌ الْوَرَى طَوْذُ النَّهْيِ مَنْبَعُ الْهُدَى وَصَاحِبُ سِرِّ اللَّهِ فِي هَذِهِ الدَّارِ^۴
 بِهِ الْعَالَمُ السُّفْلَى يَسْمُو وَيَعْتَلَى عَلَى الْعَالَمِ الْعُلْوَى مِنْ دُونِ إِنْكَارٍ^۵

۱. حضرت امام عصر خلیفه پروردگار جهانیان و سایه او بر همه ساکنان عالم خاکی است.

۲. او دستگیره محکمی است که هرکس بدان چنگ زند، از گناهان بزرگ بیم نخواهد داشت.

۳. او پیشوای هدایتگری است که اهل زمانه به سایه او پناه برده و روزگار زمام خویش را خاضعانه به دست او سپرده اند

..

۴. او پیشوای خلاق، کوه خرد، منبع هدایت و صاحب اسرار الهی در این دنیا است.

۵. بدون تردید به واسطه (وجود مقدس) او، کره خاکی بدون هیچگونه انکاری بر آسمان تفوق و برتری می‌یابد.

وَمُقْتَدِرٌ لَوْ كَلَّفَ الصِّمَّ نُظْقَهَا بِأَجْدَارِهَا فَاهَتْ إِلَيْهِ بِأَجْدَارِ
 عُلُومِ الْوَرَى فِي جَنْبِ أَبْحَرِ عِلْمِهِ كَعْرِفَةِ كَفِّ أَوْ كَعَمْسَةِ مِنْقَارِ
 فَلَوْ زَارَ «أَفْلَاطُونَ» أَعْتَابَ قُدْسِيهِ وَلَمْ يَعِشْهُ عَنْهَا سَوَاطِعُ أَنْوَارِ
 رَأَى حِكْمَةً قُدْسِيَّةً لَا يَشُوبُهَا شَوَائِبُ أَنْظَارِ وَأَدْنَأَشُ أَفْكَارِ
 وَمِنْهُ الْعُقُولُ الْعَشْرُ تَبْغِي كَمَالَهَا وَلَيْسَ عَلَيْهَا فِي التَّعَلُّمِ مِنْ عَارِ

(شیخ بهایی، ۱۴۰۰: ج ۱۴، ۳۶۷؛ همو، ۱۴۰۰: ج ۱۹، ۳۹ - ۴۰)

و در قصیده «ذریعة النجاة والظفر فی مدح الإمام المنتظر» درباره شأن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین می‌سراید:

صَاحِبُ الْعَصْرِ الْإِمَامُ الْمُتَنَطَّرُ مَنْ يَمَا يَأْبَاهُ لَا يَجْرِي الْقَدَرُ
 حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ الْبَشَرِ خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ فِي كُلِّ الْخِصَالِ
 مَنْ إِلَيْهِ الْكَوْنُ قَدْ أَلْقَى الْقِيَادَ مُجْرِيًا أَحْكَامَهُ فِيمَا أَرَادَ
 إِنْ تَرُلَّ عَنْ طَوْعِهِ السَّبْعُ الشَّدَادُ خَرَّ مِنْهَا كُلُّ سَامِي السَّمَكِ عَالٍ
 شَمْسُ أَوْجِ الْمَجْدِ مِضْبَاحُ الظَّلَامِ صَفْوَةُ الرَّحْمَنِ مِنْ بَيْنِ الْأَنَامِ
 الْإِمَامُ ابْنُ الْإِمَامِ ابْنِ الْإِمَامِ قُظْبُ أَفْلَاكِ الْمَعَالِي وَالْكَمَالِ

۱. او چنان قدرتمند است که اگر به شخص ناشنوا سخن گفتن را تکلیف کند، به سخن می‌آید، همچنان که اگر اعدادی را که جذر ندارند، به بیان جذرشان تکلیف کند؛ آن اعداد جذرهای خود را بر زبان خواهند آورد. منظور شیخ بهایی از «صم» اعدادی هستند که در اصطلاح علم ریاضی جذر ندارند مانند اعداد ۵ و ۱۰ برخلاف اعداد ۴ و ۹ و ۱۶ و امثال آن.
۲. علوم خلائق در کنار دریاهای دانش او همانند کفی از آب برآمده یا فرو بردن منقاری در آب خواهد بود.
۳. اگر افلاطون آستان قدس او را زیارت می‌کرد؛ در حالی که تابش انوار آن آستان دیدگان او را کور نمی‌کرد؛ به آن چنان حکمت قدسی دست می‌یافت که چشم‌های آلوده نظر و اندیشه‌های تباه را بر آن راهی نیست و آن را آلوده نخواهد ساخت.
۴. از مکتب بافضیلت او، عقول ده گانه رسیدن به کمال خویش را از او می‌جویند و در این تعلم بر آنان هیچ ننگی نیست.
۵. این شخصیت همان صاحب الزمان، امام منتظر، و کسی است که قضا و قدر برخلاف میل او جاری نمی‌شود.
۶. او حجت خدا بر همه انسان‌ها، و بهترین مردمان در همه خصلت‌های پسندیده است.
۷. او کسی است که هستی زمام خویش را به دو تقدیم داشته است و هرچه را بخواهد اجرا می‌کند.
۸. و اگر آسمان‌های هفتگانه از فرمانش سرپیچی کنند. سقف‌های برافراشته آنها فروخواهد ریخت.
۹. او آفتاب بلندترین نقطه مجد و عظمت و چراغ ظلمت‌ها و برگزیده خدای رحمان از میان خلائق است.
۱۰. او امامی است که فرزند امام و آن امام نیز خود پسر امام دیگر و قطب و محور افلاک بزرگی‌ها و کمالات است.

فَاقَ أَهْلَ الْأَرْضِ فِي عِزِّ وَجَاهٍ وَارْتَقَى فِي الْمَجْدِ أَعْلَى مُرْتَقَاهُ^۱
 لَوْ مَلُوكُ الْأَرْضِ حَلُّوا فِي ذُرَاهُ كَانَ أَعْلَى صَفِّهِمْ صَفُّ النَّعَالِ^۲
 ذُو أَيْدِي إِنْ يَشَاءُ قَلْبَ الطَّبَاعِ صَايِرَ الْإِظْلَامِ طَبْعاً لِلشَّعَاعِ^۳
 وَارْتَدَى الْإِمْكَانُ بُرْدَ الْإِمْتِنَاعِ فُذْرَةَ مَوْهُوبَةٍ مِنْ ذِي الْجَلَالِ^۴

(شیخ بهایی، ۱۴۰۰: ج ۱۴، ۳۸۲-۳۸۳؛ همو، ۱۴۰۰: ج ۱۹، ۱۷۲-۱۷۳)

تحلیل و توضیح

شیخ در اسروده های فوق به ابعاد مختلف جایگاه و شأن امام مهدی عجل الله فرجه اشاره کرده است، ما در این جا هرکدام از ابیات را در ذیل عناوین و موضوعات مربوطه بیان کرده مورد بررسی و تحلیل قرار می دهیم:

۱. خلیفه الله

خَلِيفَةَ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَظَلِيهٔ عَلٰى سَاكِنِ الْعَبْرَاءِ مِنْ كُلِّ دِيَارٍ

شیخ بهایی در این بیت به مسئله بسیار مهم جانشینی و خلیفت الهی امام زمان عجل الله فرجه اشاره کرده است که از مبحث اساسی تفکر شیعه در موضوع امامت است. خلیفه یعنی جانشین. لفظ «خلیفه» از کلمات قرآنی است و چندین بار در آن به کار رفته است، مانند آیه شریفه: اِنَّ اِيَّيْ جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً (بقره: ۳۰) و آیه يَا دَاوُدُ اِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ (ص: ۲۶). و احادیث زیادی از طریق شیعه و اهل سنت در باره حضرت حجت عجل الله فرجه وارد شده که «إِنَّهُ خَلِيفَةُ اللَّهِ» (ابن ماجه، بی تا: ج ۲، ۵۱۹؛ أحمد حنبل، ۱۴۱۴ق: ج ۵، ۲۷۷) از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده هنگامی که مهدی خروج می کند و بر سر او ابری است که از آن ندا می آید:

هذا المهدي خليفة الله فاتبعوه (ربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۳، ۴۷۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۱، ۸۱)؛
 این مهدی خلیفه خداست، پس او را پیروی کنید.

در روایت دیگر می خوانیم:

۱. او در عزت و شکوه بر همه مردم روی زمین برتری دارد و در بالاترین پله مجد و عظمت قرار گرفته است.
 ۲. اگر پادشاهان زمین به حضورش راه یابند؛ برترین گروه آنان در کفشداری (آن حضرت) صف خواهند کشید.
 ۳. او قدرتمندی است که اگر بخواهد طبیعت اشیاء را دگرگون می کند و ذات تاریکی ها را به نور مبدل می سازد.
 ۴. او ممکن را ممتنع می کند (یعنی ممکن را غیرممکن می کند) و این همه، قدرتی است که از جانب ذوالجلال به وی داده شده است.

الإمامُ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي بِلَادِهِ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۲۰۰)؛
امام خلیفه خدا در شهرها است.

در عبارت دیگر می‌فرماید:

الإِمَامَةُ خِلَافَةُ اللَّهِ وَخِلَافَةُ الرَّسُولِ ﷺ وَ مَقَامُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ وَ مِيرَاثُ الْحَسَنِ
وَ الْحُسَيْنِ.^۱

بنابراین یکی از اصلی‌ترین عنوان‌ها و مقامات امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام خلیفت‌اللهی ایشان است. شیخ بهایی کلامی را از ابن عربی در این باره نقل کرده و می‌نویسد؛ ابن عربی، کلام جالب و ارزنده‌ای در این زمینه دارد که مرا وادار کرد که آن را نقل کنم. او می‌گوید:
خداوند متعال را خلیفه‌ای است که از عترت رسول خدا ﷺ ظهور خواهد کرد، او از فرزندان فاطمه عَلِیْهَا السَّلَام، اسمش همنام با اسم رسول خدا ﷺ و جدّ او حسین بن علی عَلِیْهِمَا السَّلَام است. بین رکن و مقام مورد بیعت قرار می‌گیرد (ابن عربی، بی‌تا: ج ۳، ۳۲۷؛ شیخ بهایی، ۱۴۴۲ق: ج ۴، ۳۸۱).

از مفاد آیات و روایات فوق استفاده می‌شود که خلافت یک منصب الهی است که هر کسی را خداوند تعیین کند جانشین او بر زمین خواهد بود، یعنی خلیفه فقط به اذن خدا به این مقام می‌رسد؛ زیرا خلیفه الهی، مکمل وجود عالم و هسته مرکزی جهان آفرینش است، در واقع جان مایه و باطن این نظام بر امام (خلیفة الله) استوار است، و به اذن الله به عنوان باطن هستی و قطب عالم امکان باعث دوام و قرار عالم ملک و ملکوت است. و این عالم نسبت با آن معنی پیدا می‌کند. مظهر جود و کرم الهی، راز خلقت، واسط عالم غیب و شهود، معنابخش و تنظیم‌کننده رابطه میان انسان، طبیعت و مبدأ هستی است. و حدیث شریف: «لو بقیت الأرض بغير إمام لساخت؛ بقای عالم هستی بدون وجود امام امکان‌پذیر نیست، فرو می‌ریزد» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۲۵۲) اشاره به همین معنا است که استواری و رمز بقای ملک و ملکوت به وجود امام بستگی دارد؛ چرا که امامت زمام دین، نظام مسلمین، صلاح دنیا، عزت مؤمنین، اساس و ریشه اسلام است: ۲. شأن امام و جایگاه او بالاتر از آن است که بشر بتواند با عقل ناقص خود

۱. امامت جانشینی خدا و رسول خدا ﷺ و مقام امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام و میراث حسن و حسین عَلَيْهِمَا السَّلَام است (الکافی، ج ۱، ۲۰۰).
۲. امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: إِنَّ الإِمَامَةَ زَمَامُ الدِّينِ وَنِظَامُ الْمُسْلِمِينَ وَصَلَاخُ الدُّنْيَا وَعِزُّ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّ الإِمَامَةَ أَشُّ الْإِسْلَامِ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۲۰۰).

آن را درک کند؛^۱ و چنان که در دعای عدیله هنگام ذکر نام مقدس حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرماید: «الذی ببقائه بقیة الدنیا، و یمننه رزق الوری، و یؤجوده ثبتت الارض و السماء»^۲ (مجلسی، ۱۴۲۳ق: ۴۲۳) با این وصف می‌توان گفت تمام موجودات به طفیل این ذات مقدس به وجود آمده و تمامی آنها به وجود خلیفه الهی و قطب عالم امکان محتاجند؛ چون ایشان واسطه در فیض الهی‌اند، و ولایت مطلقه از آن اوست، با این که خلیفه الهی از خود چیزی ندارد و نسبت به خدای بزرگ فقیر محض محسوب می‌شود.

۲. ظل الله

ظل الله به معنای سایه خدا. از نظر عرفانی یعنی فانی فی الله و از لحاظ کلامی همان ولی الله است که در تمام مراتب موجودات آفاقی و انفسی به اذن الله نقش تکوینی دارد، و در اصطلاح فلسفه به معنای «لا شییء» است. در محاورات هم این موضوع زیاد به کار برده می‌شود، مانند این که فلان کس در زیر سایه فلانی زندگی می‌کند، یا فلانی او را در زیر سایه خود گرفته؛ یعنی در تحت حمایت و پشتیبانی خود درآورده است، خدا سایه فلانی را از سر ما کم و کوتاه نکند و امثال این تعبیرات. سایه مایه آرامش و مانع از سوزش و حرارت آفتاب و غیره است، در روایات وارد شده است که سلطان ظل الله است (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۶۳۴؛ احساسی، ۱۴۰۵ق: ج ۱، ۲۹۳) در این جا معنای مجازی و استعاره‌ای «ظَلَّ» مدنظر است؛ یعنی وجود رهبر و حاکم یا فرمانروا، مایه آرامش و امنیت و راحتی مردم می‌باشد، اگر سلطان و رهبر نباشد جامعه ناامن می‌شود. و در اصطلاح گفته‌اند:

ظِلُّ الْإِلَهِ هُوَ الْإِنْسَانُ الْكَامِلُ الْمُتَحَقِّقُ بِالْحُضْرَةِ الْوَاحِدِيَّةِ (آملی، ۱۳۶۸: ۱۷۹)؛

سایه خدا فقط انسان کامل است که به حضرت واحدیت حق متحقق گشته است.

بدین ترتیب ظل الله بودن امام رمان علیه السلام برای این است که وجود شریف آن امام همام کامل، باعث امنیت و آرامش مردم و حتی جهان آفرینش است.

۱. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: إِنَّ الْإِمَامَةَ أَجَلٌ قَدْرًا وَأَعْظَمُ شَأْنًا وَأَعْلَى مَكَانًا وَأَمْنَعُ جَانِبًا وَأَبْعَدُ غَوْرًا مِنْ أَنْ يَبْلُغَهَا النَّاسُ بِعُقُولِهِمْ (کلینی، ۱۳۶۵ش: ج ۱، ۱۹۹).

۲. آن مهدی منتظری که با بقای او دنیا باقی است و از برکت وجود او تمامی مخلوقات روزی دریافت می‌کنند، و به برکت وجود او زمین و آسمان استوار است.

۳. حجت الله

حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ بَشَرٍ خَيْرٌ أَمَلٍ الْأَرْضِ فِي كُلِّ الْخِصَالِ

امام زمان عليه السلام حجت و امین خدا بر مردم^۱ و گل سر سبد اهل زمین است، خیرالبشر است، تمام خصلت‌های نیک در او جمع است، آنچه خوبان همه دارند او به تنهایی دارد. او پاک‌ترین انسان‌ها و مبرّاز هر گونه خطا، گمراهی، لغزش و عیب و نقصی است.^۲ از نظر شیعه کسی نمی‌تواند به مقامات معنوی ائمه طاهریین عليهم السلام برسد، حتی ملک مقرب و نبی مرسل. چنان‌که می‌فرماید:

إِنَّ لَنَا مَعَ اللَّهِ حَالَاتٍ لَا يَسَعُهُ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ (أملی، ۱۳۶۸ش: ۲۵؛ صفار، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۳۳)؛

ما با خدا حالاتی داریم که نه فرشته مقرب آن را می‌تواند داشته باشد و نه پیامبر مرسل.

اصولاً رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم عليهم السلام طبق روایات قبل از این عالم، انواری بوده‌اند در ظل عرش، و از لحاظ انعقاد نطفه و طینت از بقیه مردم فرق دارند (صفار، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۲۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۲۵، ۱-۱۰۳).

حجت به معنای نشانه، دلیل، برهان و راهنما است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۳، ۵۳). از القاب مشهور امام زمان عليه السلام است. هرچند این لقب سایر ائمه عليهم السلام هم است؛ چون همه ائمه دوازده‌گانه از جانب خداوند بر مردم حجت‌اند، اما این لقب به امام زمان عليه السلام اختصاص دارد که در احادیث هر جا بدون قرینه ذکر شده باشد، مراد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. امام باقر عليه السلام می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى جَعَلَنَا حُجَّةً فِي أَرْضِهِ (شیخ صدوق، ۱۳۵۹ق: ج ۱، ۲۰۴)؛
خدا ما (اهل بیت) را حجت خود در زمین قرار داده است.

و همچنین امام صادق عليه السلام در این باره می‌فرماید:

خداوند تبارک و تعالی امام را بر اهل عالم حجت قرار داده است؛ جعله حجة علی اهل عالمه (کلینی، ۱۳۶۵ش: ج ۱، ۲۹۰-۲۹۱).

۱. امام رضا عليه السلام فرمود: الْإِمَامُ أَمِينُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَحُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ (کلینی، ۱۳۶۵ش: ج ۱، ۲۰۰).
۲. امام رضا عليه السلام فرمود: الْإِمَامُ الْمُطَهَّرُ مِنَ الذُّنُوبِ وَالْمُبَرِّزُ عَنِ الْغُيُوبِ الْمُخْصُوصُ ... هُوَ مَعْصُومٌ مُؤَيَّدٌ مُوَفَّقٌ مُسَدَّدٌ قَدْ أَمِنَ مِنَ الْخَطَايَا وَالزَّلَلِ وَالْعِتَارِ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۲۰۰ و ۲۰۳).

این عنوان با عبارت‌های مختلف در احادیث و متون ادعیه وارد شده است، مانند: «حجة الله القائم»، «حجة الله في أرضه»، «حجة الله على خلقه»، «حجة الله»، «حجتك في أرضك»، «حجة الله التي لا تخفى»، «حجة الله على من في الأرض» (شیخ صدوق، ۱۳۵۹ق: ۳۰۷؛ همو، ۱۳۷۸ق: ج ۲، ۴۸؛ مفاتیح الجنان، دعای توسل، دعای استغاثه، زیارت آل یاسین، زیارت صاحب الامر).

۴. عروة الوثقی

هُوَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى الَّذِي مَنْ بَدَّلَهُ تَمَسَكَ لَا يَخْشَى عَظَائِمَ أَوْزَارِ

امام زمان عجل الله تعالی فرجه، ریسمان محکم و استوار الهی است که هر کس به آن چنگ بزند از بار سنگین و طاقت فرسای گناهان ترسی نخواهد داشت؛ زیرا هر کس او را پیشوا و الگوی خود قرار دهد، هیچ وقت مرتکب گناه نمی‌شود، بدین ترتیب از بار سنگین گناه رهایی می‌یابد.

عروة الوثقی؛ یعنی دستگیره محکمی که هرگز پاره نمی‌شود. جمله □ فَقَدْ اسْتَمَسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى □ (بقره: ۲۵۶) استعاره تمثیلی از نجات و رستگاری است (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ج ۱۶، ۳۴۵). و «عروة الوثقی» و «حبل المتین» کنایه از □ وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا □ (آل عمران: ۱۰۴) است. از نظر عرفانی مراد از «عروة الوثقی» وحدت ذاتیه‌ای که استحکام و وثاقت آن ذاتی است و منشأ تمام مواثیق و مبدا همه مستحکامات و نقطه وثاقت جمیع ماهیات متکثرات بالذاتند. و حقیقت واحد ذاتی که جامع جمیع کثرات و منشأ جمیع وحدات است (آشتیانی، ۱۳۷۰ش: ۶۰۵).

در روایت وارد شده که عروة الوثقی ائمه هدی هستند (شیخ صدوق: ۱۳۸۷ق: ۶۳، ح ۲۱۷). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

هر که دوست دارد تمسک به دستگیره‌ای کند که جدائی در آن نیست، پس به ولایت برادرم و وصییم علی بن ابی طالب عجل الله تعالی فرجه و ائمه عجل الله تعالی فرجه از اولاد حضرت حسین عجل الله تعالی فرجه تمسک کند؛ زیرا اطاعت آنان اطاعت خدا است، ایشانند عروة الوثقی و ایشانند وسیله به سوی خدا (شیخ صدوق: ۱۴۰۳ق: ۳۲۸-۳۲۹؛ همو، ۱۳۷۸ق: ج ۲، ۵۸؛ عاملی، ۱۴۳۳ق: ج ۲، ۳۳۳).

با این وصف یکی از دستگیره‌های محکم الهی که هیچ‌گونه جدایی در آن نیست، تمسک به ولایت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه است.

۵. سرالله

إِمَامُ الْوَرَى طَوْذُ النَّهَى مَنَّبَعُ الْهُدَى وَصَاحِبُ سِرِّ اللَّهِ فِي هَذِهِ الدَّارِ
 امام زمان علیه السلام به عنوان واسطه در فیض الهی قاعدتاً سری از اسرار الهی نیز هست، اسرار
 علوم و عالم آفرینش به اذن الله در نزد اوست؛ زیرا امام دست پرورده خداوند متعال است. امام
 زمان علیه السلام می‌فرماید:

نحن صنائع ربنا والخلق بعد صنائنا (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۳، ۱۷۸)؛
 ما دست پروردگان خداوند متعال هستیم، و دیگران دست پرورده ما هستند.

۶. امام هدایتگر

إِمَامٌ هُدَى لَأَدَّ الزَّمَانَ بِظِلِّهِ وَأَلْقَى إِلَيْهَا الدَّهْرُ مَقْوَدَ حَوَارٍ
 امام زمان علیه السلام پیشوای هدایتگری است که تمام مردم عالم در سایه او پناه گرفته‌اند، و
 روزگار زمام امور خود را به دست توانای او سپرده است.
 مهدی از القاب مشهور امام زمان علیه السلام، در معنای فاعلی به معنای هدایت‌کننده است. از
 امام صادق علیه السلام از علت نامیده شدن آن حضرت به «مهدی» سؤال شد، حضرت فرمودند:

لأنه يهدي إلى كل أمرٍ خفي (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۷۱؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۳۷)؛
 به دلیل این که به تمام امور پنهان و نهانی هدایت می‌شود.

البته در این لقب همه امامان معصوم علیهم السلام مشترکند، چنان که امام حسین علیه السلام در این باره
 می‌فرماید: «ما دوازده مهدی داریم اول آنها امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است، و آخرهم
 التاسع من وُلدي...» (شیخ صدوق، ۱۳۸۷ق: ج ۱، ۶۸)، اما این لقب به مفهوم خاص آن فقط به
 آخرین امام اختصاص یافته است.

هدایت انواع مختلفی دارد:

هدایت فطری: □ فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا □ (روم: ۳۰).

هدایت تشریحی: یعنی راهنمایی کردن که متفرع بر حضور امام در میان جامعه است.

هدایت تکوینی: که همان تصرف و تدبیر در نظام آفرینش است، و هدایت باطنی که شعبه‌ای
 از ولایت تکوینی است. این نوع هدایت متفرع بر وجود امام زمان علیه السلام است نه حضور او.
 خداوند متعال به این نوع هدایت اشاره دارد آن جا که می‌فرماید:

□ وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا □ (انبیاء: ۷۴)؛

و آنان را پیشوای مردم قرار دادیم تا خلق را به امر ما هدایت کنند.

۷. دارای قدرت تکوینی

وَمُقْتَدِرٌ لَوْ كَلَّفَ الصَّمَّ نُظْقَهَا بِأَجْذَارِهَا فَاهَتْ إِلَيْهِ بِأَجْذَارٍ
ذُو أَقْتِدَارٍ إِنْ يَشَاءُ قَلْبَ الطَّبَاعِ صَبِيرَ الْإِظْلَامِ طَبْعاً لِلشَّعَاعِ
وَأَزْتَدَى الْإِمْكَانُ بُرْدَ الْإِمْتِنَاعِ قُدْرَةً مَوْهُوبَةً مِنْ ذِي الْجَلَالِ
صَاحِبِ الْعَصْرِ الْإِمَامِ الْمُنتَظَرِ مَنْ بِمَا يَأْبَاهُ لَا يَجْرِي الْقَدَرُ
مَنْ إِلَيْهِ الْكَوْنُ قَدْ أَلْقَى الْقِيَادَ مُجْرِباً أَحْكَامَهُ فِيمَا أَرَادَ
إِنْ تَزُلْ عَنْ طَوْعِهِ السَّبْعُ الشَّدَادُ خَرَّ مِنْهَا كُلُّ سَامِي السَّمَكِ عَالٍ

شیخ بهایی در این ابیات به ولایت تکوینی امام زمان عجل الله فرجه اشاره کرده و بیان می‌دارد که: امام از قدرت فوق‌العاده‌ای برخوردار است، اگر بخواهد، طبیعت اشیاء را دگرگون می‌سازد، غیرممکن را ممکن، و ممکن را غیرممکن می‌کند. این قدرتی است که خداوند به او داده است. هیچ کس و هیچ چیز قدرت مخالفت با او را نخواهد داشت، بلکه با همه وجود خویش در برابر قدرت و توان او سر تعظیم فرود می‌آورند. او کسی است که قضا و قدر برخلاف میل او جاری نمی‌شود، هرچه را اراده کند اجرا می‌شود. اگر آسمان‌های هفت‌گانه از امر او سرپیچی کنند فرو می‌ریزند.

با توجه به ابیات فوق لازم است در باره ولایت تکوینی امام، لقب صاحب‌العصر و امام منتظر توضیح مختصری داشته باشیم:

ولایت تکوینی: این موضوع از مباحث مهم کلامی است که در میان متکلمان مطرح است. «ولی» به معنای قرب، سلطان، و «ولایت» (به کسر و فتح) به معنای نصرت، امارت و سلطنت است (فیومی، ۱۴۰۵ق: ج ۲، ۶۷۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱۵، ۴۰۷؛ جوهری، ۱۴۰۷ق: ج ۶، ۲۵۲۹).

ولایت، آخرین درجه کمال انسان و آخرین هدف از تشریح شریعت خداوند متعال است (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ج ۱۱، ۸۹-۹۳).

ولایت تکوینی قدرت تصرف به جهان آفرینش و نظام طبیعت است که اعمال آن معجزه

۱. السبع الشداد: یعنی آسمان هفت‌گانه. در سوره نبأ آیه ۱۲ می‌فرماید: □ وَتَبَيَّنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شَدَادًا □؛ و اگر آسمان‌های هفت‌گانه از فرمانش سرپیچی کنند. سقف‌های برافراشته آنها فروخواهد ریخت.

نامیده می‌شود، به عبارت دیگر: يك کمال روحی و معنوی است که در سایه عمل به شرع و پیمودن راه بندگی آن چنان کمال و قرب معنوی پیدا کند که به فرمان خدا بتواند در جهان و انسان تصرف کند. چنان که در حدیث قدسی خداوند متعال می‌فرماید:

ای فرزند آدم! من زنده‌ام و نمی‌میرم. فرما مرا اطاعت کن تا تو را زنده و جاودان گردانم. ای فرزند آدم! من هر چه بخواهم با اراده می‌آفرینم، مطیع دستور من باش تا به تو نیز چنین قدرتی بدهم تا به هر چیز که بگویی موجود شو، بلافاصله موجود شود (حلی، ۱۴۰۷ق: ۳۱۰؛ نوری، ۱۴۰۸ق: ۱۱، ۲۵۹).^۱

در قرآن کریم به موارد متعددی از تصرفات تکوینی پیامبران و انسان‌های کامل اشاره شده است، مانند: تصرف تکوینی حضرت موسی علیه السلام برای قوم خود آب طلبید خداوند به او دستور دادیم:

□ اصْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ نَضْبًا □ (بقره: ۶۰)؛
عصای خود را بر سنگی زند، ناگهان دوازده چشمه از آن بیرون آمد همه بنی اسرائیل آبشخور خود را دانستند.

و درباره تصرفات تکوینی حضرت عیسی علیه السلام می‌فرماید:

□ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْرِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ □.^۲
و در تصرفات تکوینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

□ أَفْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَأُنشِقَ الْقَمَرُ □ (قر: ۱-۲)؛
نزدیک شد قیامت و از هم شکافت ماه.

البته باید توجه داشت که ولایت تکوینی بدین معنا که انسان سمت سرپرستی و قیمومت نسبت به جهان هستی پیدا کند به طوری که او گرداننده زمین و آسمان و خالق و رازق و محیی و ممیت من جانب الله باشد، هیچ‌گونه منافاتی با شریک نداشتن خداوند در ملک و خالقیت ندارد؛ چرا که خداوند، جهان را بر نظام اسباب و مسببات قرار داده و موجوداتی که قرآن آنها را

۱. يَا ابْنَ آدَمَ أَنَا حَى لَا أَمُوتُ أَطْغِنِي فِيمَا أَمَرْتُكَ أَجْعَلُكَ حَيًّا لَا تَمُوتُ. يَا ابْنَ آدَمَ أَنَا أَقُولُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ، أَطْغِنِي فِيمَا أَمَرْتُكَ أَجْعَلُكَ تَقُولُ لِشَيْءٍ كُنْ فَيَكُونُ.

۲. من برای شما از گل شکل مرغی می‌سازم و در آن می‌دمم که به اذن خدا پرنده می‌شود. کور مادرزاد و پیسی را شفا می‌دهم و مردگان را به اذن خدا زنده می‌کنم (آل عمران: ۴۹).

ملائکه می‌نامد «مدبرات امر» (نازعات: ۵) و «مقسّمات امر» (ذاریات: ۴) به اذن الله می‌باشند. قرآن در عین این که خداوند را در حدّ اعلاّی غنا و بی‌نیازی معرّفی می‌کند و می‌گوید: مرگ انسان‌ها توسط ملک الموت انجام می‌شود: □ قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ □ (سجده: ۱۱)، □ الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ □ (نحل: ۲۸).

و در عین این که می‌گوید: «خداوند بر همه چیز حفیظ است» (هود: ۵۷)، می‌فرماید: □ وَبِزَيْلٍ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا □ (انعام: ۶۱). پس، از نظر توحیدی، وجود وسائط و نسبت دادن تدبیر امور به غیر خداوند به اذن خدا و به اراده او به طوری که مدبران، مجریان اوامر و اراده پروردگارند، مانعی ندارد؛ چون اولاً وسائط نیز آفریده او و مجری امر او و مظهر حکمت او می‌باشند. و ثانیاً نظام عالم از نظر وسائط نظام خاصی است که خداوند آفریده است و هرگز بشر در اثر سیر تکاملی خود جانشین هیچ یک از وسائط فیض نمی‌گردد، بلکه خود فیض را از همان وسائط می‌گیرد، یعنی فرشته به او وحی می‌کند و فرشته مأمور حفظ او و مأمور قبض روح او می‌گردد، در عین این که ممکن است مقام قرب و سعه وجودی آن انسان از آن فرشته‌ای که مأمور اوست احياناً بالاتر و بیشتر باشد. خداوند متعال در قرآن کریم به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امر می‌کند که بگوید:

□ قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا □ (اعراف: ۱۸۸)؛

من مالک هیچ سود و زیانی برای خود نیستم.

بدیهی است که می‌خواهد بگوید مالک اصلی همه سود و زیان‌ها خداست و توانایی من بر سود و زیانم نیز از خداست نه از خودم (مطهری، ۱۳۷۲ ش: ج ۳، ۲۸۶-۲۸۸). و از آن جا که امام زمان عجل الله فرجه انسان کامل بوده و خلیفه الهی است دارای ولایت تکوینی است، قدرت تصرف در عوالم وجود را دارد و سررشته جهان هستی به اذن الله به دست اوست. به همین جهت او امام مقتدر است، قدرت فوق‌العاده دارد.

صاحب العصر: این لقب نیز از القاب مشهور امام زمان عجل الله فرجه است و در کنار صاحب‌الزمان، امام زمان، بسیار استعمال می‌شود اما از لحاظ معنا کمی متفاوت‌اند، صاحب‌العصر و الزمان، به معنای صاحب و اختیاردار عصر و زمان است. صاحب‌الزمان اشاره به این است که او با بدن عنصری در عالم طبیعی و سلسله زمان موجود است، در احادیث هم به این لقب تصریح شده است، چنان که امام رضا عجل الله فرجه فرمود: خلف صالح از فرزند حسن بن علی «وهو صاحب‌الزمان وهو

المهدی» او صاحب‌الزمان و مهدی است (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۱، ۴۳). و امام زمان به معنای امامی که همیشه و همه جا حاضر و ناظر است. اضافه شدن امام به سوی زمان، نشان می‌دهد که ائمه ما همراه با تبدل زمان در زمان‌های مختلف، متبدل و مغیر هستند، چون روایت می‌فرماید: «من مات و لم یعرف امام زمانه» امام زمان خویش را نشناسد، معلوم است که امامان و پیشوایان در زمان‌های مختلف هستند و متبدل می‌باشند. این معروف‌ترین و مشهورترین لقب آن حضرت است.

امام منتظر: این واژه یکی دیگر از القاب امام زمان عجل الله فرجه است. در احادیث فراوانی وارد شده است که خود حضرت حجت بن الحسن نیز همانند دیگران از منتظران است. از امام جواد عجل الله فرجه از علت منتظر نامیده شدن آن حضرت سؤال شد در جواب فرمودند:

لأن له غيبة يكثر أيامها يطول أمدها، فينتظر خروجه المخلصون وينكره المرتابون (شيخ صدوق، ۱۳۵۹: ج ۲/ ۳۸۷)؛

چون او دوره غیبت بسیار طولانی خواهد داشت، پس مخلصان، انتظار ظهورش را می‌کشند، و شکاکان آن را انکار خواهند کرد.

۸. برگزیده خداوند رحمان

شَمْسُ أَوْجِ الْمَجْدِ مِضْبَاخُ الظَّلَامِ صَفْوَةُ الرَّحْمَنِ مِنْ بَيْنِ الْأَنَامِ

امام زمان عجل الله فرجه برگزیده خداوند متعال از میان خلق عالم است، او در بالاترین پله مجد و عظمت قرار دارد، خورشید درخشانی است که تاریکی‌ها و ظلمت‌ها را در می‌نوردد. مثل امام مثل خورشید درخشانی که به برکت نور او عالم منور می‌شود. امام رضا عجل الله فرجه می‌فرماید:

الإمام كالشمس الطالعة المجللة بنورها للعلم... البدر المنير والسراج الزاهر والنور الساطع والتجمل الهادي (کلینی، ۱۳۶۵ش: ج ۱، ۲۰۰).

از جابر بن عبدالله انصاری، روایت شده است که پیامبر خدا صلى الله عليه وآله نامی از مهدی برد و در حق او فرمود: «او کسی است که خداوند به برکت وجود او مشارق و مغارب زمین را باز می‌گشاید، از دوستان خود غایب می‌شود و غیبت او آن قدر طولانی می‌شود که در آن غیبت استوار و ثابت نمی‌مانند، جز کسانی که خداوند قلوب آنان را با نور ایمان امتحان و آزمایش کرده است».

جابر گوید: پرسیدم آیا شیعیان در دوران غیبت استفاده ای از وجود او می‌برند؟

فرمود: «قسم به خدایی که مرا به حق مبعوث ساخت، آنان از نور او استضاءه می‌کنند و از ولایت و سرپرستی او در غیبت بهره می‌برند، همانند انتفاع مردم از آفتاب، در حالی که زیر ابرها

قرار دارد و ابرها آن را پوشانده‌اند» (شیخ صدوق، ۱۳۵۹ق: ۲۵۳).

۹. قطب کمالات و برترین مردم

الإمامُ ابْنُ الإمامِ ابْنِ الإمامِ قُطْبُ أَفْلاكِ المَعَالِي وَالْكَمَالِ
فَأَقْ أَهْلَ الأَرْضِ فِي عِزِّ وَجَاهٍ وَارْتَقَى فِي المَجْدِ أَعْلَى مُرْتَقَاهُ
لَوْ مُلُوكُ الأَرْضِ حَلَّتُوا فِي دُرَاهِ كَانَ أَعْلَى صَفِيهِمْ صَفَّ النَعَالِ

امام زمان علیه السلام از فرزند امام امیرالمؤمنین علیه السلام است، «فَهِيَ فِي وُلْدِ عَلِيِّ علیه السلام خَاصَّةً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۲۰۰). او قطب کمالات عالم است، یعنی همه کمالات و فضائل و نیکی‌ها به دور محور وجود او می‌چرخند، چرخش جهان به وجود با عظمت او است. او امامی است که از اعلاترین شأن و قدر و منزلت برخوردار است، «إِنَّ الإِمَامَةَ أَجَلُّ قَدْرًا وَأَعْظَمُ شَأْنًا وَأَعْلَى مَكَانًا» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۱۹۹)، مالکان و حاکمان عالم اگر بتوانند به حضور امام دست یابند بالاترین جایگاه آنان صف کشیدن بر خادمی و غلامی آن حضرت خواهند بود؛ چرا که امام کسی است که بزرگان در برابرش کوچک و حکیمان حیرانند و خطیبان زبان بسته و خردمندان در باره او نادانند و شاعران لالند و ادبا ناتوانند و بلیغان درمانده‌اند که بتوانند شأنی از شئون امام و یا فضیلتی از فضایل او را بیان کنند و به ناتوانی و تقصیر خودشان معترفند (همان: ۲۰۱).

۱۰. علم امام زمان علیه السلام

عُلُومُ الوَرَى فِي جَنبِ أْبْحَرِ عِلْمِهِ كَعَرْفَةِ كَفِّ أَوْ كَعَمْسَةِ مِثْقَارِ
فَلَوْ زَارَ «أَفْلاطُونُ»^۱ أَعْتَابَ قُدْسِهِ وَلَمْ يَعِشْهُ عَنَّا سِوَا طَعِ أَنْوَارِ
رَأَى حِكْمَةً قُدْسِيَّةً لَا يَشُوبُهَا شِوَابٌ أَنْظَارٍ وَأَدْنَأُشْ أَفْكَارِ

شیخ بهایی در این باره می‌گوید: امام زمان علیه السلام دارای علم امامت است به همین جهت تمام دانش بشری در برابر دریای بیکران علم او قطره‌ای بیش نیست. هیچ دانشمندی نمی‌تواند به دانش قدسی او دست یابد. او پیشوای خلقت و کوه خرد و چشمه هدایت و صاحب اسرار

۱. افلاطون بن ارسطون بن ارسطوقلیس متوفای (۳۴۷ ق. م). از حکمای مشهور و آخرین حکمای متقدم یونانی و رئیس فلاسفه مشاء و از شاگردان سقراط، طیماوس و ثاوفرسطیس است. و از تالیف ایشان: کتاب جمهوریت، محاورات و شرائح. است (ر.ک: طبقات الأطباء والحکماء، ۲۳؛ الموسوعة الفلسفية، ۴۵؛ الملل والنحل، شهرستانی، ج ۲، ۸۴).

خداوندی در این دنیاست. عقول ده‌گانه، کمال خود را از او می‌جویند. از آن‌جا که افلاطون از لحاظ علمی شهرت جهانی دارد لذا شیخ بهایی او را به عنوان نماد دانشمندان غیرمعصوم مطرح است که دانشمندانی چون افلاطون اگر ظرفیتش را داشتند می‌توانستند گوشه‌ای از تابش انوار علمی آن حضرت بهره‌مند بشوند چنان‌که به حکمت قدسی دست یابند، اما بدانید اندیشه‌های تباه و چشم‌های آلوده نظر نمی‌توانند به آن مقام علمی دست یابند و از نور حکمت آن حضرت استفاده کنند. امام یگانه دوران است که هیچ‌کس نمی‌تواند با او هم‌افق شود و هیچ دانشمندی به همگامی با او نمی‌سد، عوضی از برای امام یافت نمی‌شود و مثل و مانندی برای او نباشد برتری مخصوصی دارد بدون آن‌که بدنبالش رفته باشد و یا در مقام کسبش بوده باشد، بلکه این ویژگی از جانب خدای متعال به او عنایت شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۲۰۱).^۱

وَمِنْهُ الْعُقُولُ الْعَشْرُ تَبَعِي كَمَالِهَا وَلَيْسَ عَلَيْهَا فِي التَّعَلِيمِ مِنْ عَارٍ

در این بیت به یک موضوع مهم فلسفی به نام «عقول عشر» اشاره شده است: مقصود از آن عقول ده‌گانه‌ای است که در حکمت مشاء مطرح است. ارسطو و پیروانش برای حل اشکال صدور موجودات از خالق (باتوجه به سنخیت علت و معلول) بین خالق و مخلوق واسطه‌های در ده مرتبه قائل شده‌اند که آنها را عقول عشره نامند؛ هر یک از این عقول (از بالا به پائین) به تدریج از روحانیت و بساطتش کاسته می‌شود و به کثرت و مادیت نزدیک‌تر می‌شود تا عقل دهم که با جهان مادی سنخیت دارد. توضیح این‌که: حکمای مشاء معتقدند که در عالم هستی، ده عقل در یک سلسله طولی به نام عقول عشره وجود دارد. یعنی از واجب‌الوجود عقل اول صادر شده است و چون عقل اول مرکب از وجود و ماهیت است از جهت وجودش عقل دوم و از جهت ماهیتش فلک اول آفریده شده و از عقل دوم از جهت وجودش عقل سوم و به جهت ماهیتش فلک دوم صادر شده و از عقل سوم از جهت وجودش عقل چهارم و به جهت ماهیتش فلک سوم صادر گردیده است. همین‌طور تا می‌رسد به عقل نهم که از جهت وجودش عقل دهم و از جهت ماهیتش فلک نهم (یعنی کره قمر) آفریده شده است، سپس عقل دهم - که همان عقل فعال است - نفوس بشری و موجودات ارضیه افاضه می‌شود و از فلک نهم

۱. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «الْإِمَامُ وَاحِدٌ دَهْرَهُ لَا يَدَانِيهِ أَحَدٌ وَلَا يَعَادِلُهُ عَالِمٌ وَلَا يُوْجَدُ مِنْهُ بَدَلٌ وَلَا لَهُ مِثْلٌ وَلَا تَنْظِيرٌ مَخْصُوصٌ بِالْفِعْلِ كُلِّهِ مِنْ غَيْرِ طَلَبٍ مِنْهُ لَهُ وَلَا اِكْتِسَابٍ بَلِ اِخْتِصَاصٌ مِنَ الْمُفْضِلِ الْوَهَّابِ».

عناصر اربعه و از عناصر اربعه موالید پدید می‌آیند. این سخن فلاسفه مبتنی بر قانون الواحد لا یصدر عنه الا الواحد است - یعنی از علت واحده تنها معلول واحد صادر می‌شود - چنان‌که معلول واحد هم تنها از علت واحد صادر می‌شود روی این اصل می‌گویند:

خداوند علت واحده است و معلول واحدی دارد که همان عقل اول باشد و سایر افلاک و عقول و موجودات ارضیه بطور مستقیم معلول خدا نیستند، بلکه به واسطه معلولی معلول او هستند (ابن سینا، ۱۴۰۴ق: ۵۲۸؛ طوسی، ۱۳۷۵ق: ج ۳، ۲۲۰ و ۲۴۲).

نتیجه‌گیری

شیخ بهایی در شأن و منزلت امام زمان عجل الله فرجه مسائل بسیار مهم و اساسی تفکر شیعه را در قالب شعر به زیبایی بیان کرده است که امام عصر عجل الله فرجه خلیفه الهی و دارای ولایت تکوینی است، از قدرت فوق‌العاده‌ای برخوردار است، اگر بخواهد، طبیعت اشیاء را دگرگون می‌سازد، غیرممکن را ممکن، و ممکن را غیرممکن می‌کند. این قدرتی است که خداوند به او داده است. هیچ کس و هیچ چیز قدرت مخالفت با او را نخواهد داشت، بلکه با همه وجود خویش در برابر قدرت و توان او سر تعظیم فرود می‌آورند. او کسی است که قضا و قدر برخلاف میل او جاری نمی‌شود، هرچه را اراده کند اجرا می‌شود. او برگزیده خداوند متعال برای خلق عالم است، او در بالاترین پله مجد و عظمت قرار دارد، مثل امام مثل خورشید درخشانی است که به برکت نور او عالم منور می‌شود، او عالم قطب امکان و محور کمالات است. همه کمالات و فضائل و نیکی‌ها به دور محور وجود او می‌چرخند، او دارای علم امامت است به همین جهت تمام دانش بشری در برابر دریای بیکران علم او قطره‌ای بیش نیست.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه قمی، محمدبن علی (۱۳۵۹ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران: دارالکتب الإسلامیة، دوم.
۲. ابن بابویه قمی، محمدبن علی (۱۳۷۸ق)، *عیون اخبار الرضا عجل الله فرجه*، تهران: نشر جهان.
۳. ابن بابویه قمی، محمدبن علی (۱۴۰۳ق)، *معانی الأخبار*، قم: جامعه مدرسین، اول.
۴. ابن سینا، شیخ الرئیس ابوعلی حسین بن عبدالله (۱۴۰۴ق)، *الهیات الشفاء، إعداد عدّة من*

- الأستاذة، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
۵. ابن عربی، محیی الدین محمد بن علی (بی تا)، *الفتوحات المکیة*، بیروت: دارصادر، اول.
 ۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دارصادر.
 ۷. احسائی، ابی جمهور محمد بن علی (۱۴۰۵ق)، *عوالی لائی*، قم: دار سیدالشهداء، اول.
 ۸. اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح (۱۳۸۱ق)، *کشف الغمة فی معرفة الأئمة*، تحقیق: السید هاشم الرسولی، تبریز: مکتبه بنی هاشمی.
 ۹. آشتیانی، سید جلال الدین (۱۳۷۰ش)، *شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم*، تهران: امیرکبیر، سوم.
 ۱۰. آملی، سید حیدر (۱۳۶۸ش)، *جامع الأسرار و منبع الأنوار*، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، اول.
 ۱۱. آندلسی، ابوداود سلیمان بن حسان (۱۳۴۹ش)، *طبقات الأطباء والحکماء*، تعلیق: سید محمد کاظم امامی، تهران: بی نا.
 ۱۲. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق)، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية*، تحقیق: احمد بن عبدالغفور عطاری، بیروت: دارالعلم للملایین.
 ۱۳. حلّی، جمال الدین احمد بن محمد اسدی (۱۴۰۷ق)، *عدة الداعی و نجاح الساعی*، بیروت: دارالکتاب العربی، اول.
 ۱۴. حنفی، عبد منعم (بی تا)، *الموسوعة الفلسفیه*، بیروت: بی نا، اول.
 ۱۵. شرتونی، سعید بن خوری (۱۴۰۳ق)، *أقرب الموارد*، قم: منشورات مکتبه آیه الله مرعشی.
 ۱۶. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۴۰۲ق)، *الملل و النحل*، بیروت: دارالمعرفه.
 ۱۷. شیبانی، احمد بن حنبل (۱۴۱۴ق)، *مسند*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۱۸. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام*، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، دوم.
 ۱۹. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۴ش)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، برگردان: سید محمد باقر موسوی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
 ۲۰. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، *الغیبه*، تحقیق: عبدالله تهرانی و احمد ناصح، قم: مؤسسه معارف اسلامی، اول.

۲۱. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، *الأمالی*، قم: دارالثقافة، اول.
۲۲. طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۷۵ش)، *شرح الإشارات والتنبيهات*، قم: نشر البلاغة، اول.
۲۳. عاملی، بهاءالدین محمد (۱۴۴۳ق)، *الأربعون حديثاً*، موسوعة الشيخ بهاء الدین العاملی/۴۴.
۲۴. عاملی، بهاءالدین محمد (۱۴۴۳ق)، *الديوان العربي*، موسوعة الشيخ بهاء الدین العاملی/۱۹.
۲۵. عاملی، بهاءالدین محمد (۱۴۴۳ق)، *الرسائل*، موسوعة الشيخ بهاء الدین العاملی/۱۲.
۲۶. عاملی، بهاءالدین محمد (۱۴۴۳ق)، *ديوان فارسی*، موسوعة الشيخ بهاء الدین العاملی/۲۰.
۲۷. عاملی، بهاءالدین محمد (۱۴۴۳ق)، *كشكول*، موسوعة الشيخ بهاء الدین العاملی/۱۴.
۲۸. عاملی، بهاءالدین محمد (۱۴۴۳ق)، *موسوعة الشيخ بهاء الدین العاملی*، الإعداد والتحقيق: مركز إحيای آثار اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اول.
۲۹. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۰۵ق)، *المصباح المنير في غريب الشرح الكبير*، قم: دارالهجرة، اول.
۳۰. قزوینی، محمد بن یزید (بی تا)، *سنن ابن ماجه*، تحقیق: عبدالباقی، بیروت: دارالفکر.
۳۱. قیصری رومی، محمد داود (۱۳۷۵ش)، *شرح فصوص الحکم*، به کوشش: سید جلال الدین آشتیانی، تهران: شرکت علمی و فرهنگی.
۳۲. کوفی، محمد بن سلیمان (۱۴۱۲ق)، *مناقب کوفی (مناقب الامام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب عليه السلام)*، تحقیق: محمد باقر محمودی، قم: بی نا.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الإسلامية، چهارم.
۳۴. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۳۵. مجلسی، محمد باقر (۱۴۲۳ق)، *زاد المعاد*، بیروت: بی نا.
۳۶. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲ش)، *مجموعه آثار*، تهران: انتشارات صدرا، هشتم.
۳۷. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبة*، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: مکتبة صدوق.
۳۸. نوری، حسین (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل*، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام.